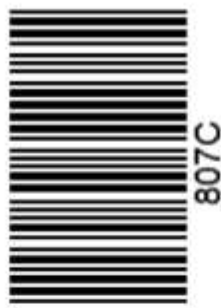


کد کنترل

807

C



807C

صبح جمعه

۱۳۹۷/۱۲/۳

دفترچه شماره (۲)



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود، مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۸

گروه آزمایشی زبان

(ویژه رشته آموزش زبان روسی - کدرشته ۲۸۰۳)

مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۶۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	استعداد تحصیلی	۳۰	۱۰۱	۱۳۰
۲	زبان روسی - عمومی	۳۰	۱۳۱	۱۶۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق جاب، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا متغلبین برابر مقررات رفتار می‌شود.

۱۳۹۸

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

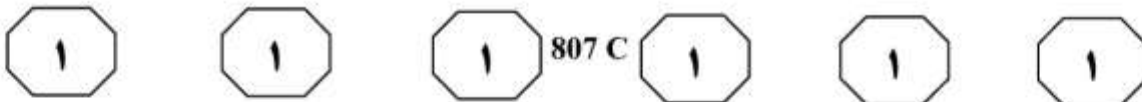
امضا:



بخش اول

راهنمایی:

در این بخش، دو متن به‌طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.



پایین آن عبارتند از: «دانش» (آگاهی از داده‌ها)، «درک مطلب» (فهمیدن داده‌ها) و «کاربرد» (استفاده از داده‌ها) و سطوح بالاتر آن عبارتند از: «تجزیه» (تفکیک داده‌ها)، «ترکیب» (آفرینش چیز جدیدی از داده‌ها) و «ارزشیابی» (دانش ارزشیابی). ویژگی این سطوح بالای تفکر، فرایندی است به نام «کنترل فراشناختی پیشین». فراشناخت به «شناخت شناخت یا دانستن درباره دانستن» (۴۵) گفته می‌شود. فراشناخت عبارت است از دانش فرد درباره چگونگی یادگیری خود.

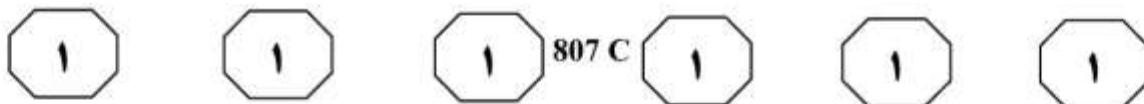
تفکر انتقادی نوعی حل مسئله است، اما علاوه بر حل مسئله، شامل توانایی‌های تحلیل و ارزشیابی امور نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، تفکر انتقادی یعنی توانایی و گرایش فردی برای سنجش نتایج امور و تصمیم‌گیری درباره آنها. براساس شواهد می‌توان گفت که ماهیت و ذات تفکر انتقادی، رسیدن به «قضاوت معلق» یا «تردید سالم» است. «لیپمن» برای تفکر انتقادی، ویژگی‌هایی برمی‌شمرد: تفکری که قضاوت‌ها را تسهیل می‌کند؛ چرا که به ملاک متکی است، به زمینه‌ای که در آن رویداد اتفاق افتاده حساس می‌باشد و همراه با «خودتصحیحی» است. تفکر انتقادی بدون داشتن تفکر خلاق، ممکن نیست. خلاقیت سازماندهی دوباره دانسته‌ها برای پی بردن به مطالبی است که نمی‌دانیم. از این رو، برای اینکه خلاقانه بیندیشیم باید این توانمندی‌ها در ما ایجاد شود تا بتوانیم آنچه را درست می‌پنداریم، بازنگری کنیم. تفکر خلاق، توانایی ارائه راه‌حل‌های جایگزین، بررسی دیگر عوامل درگیر با موضوع و مکملی ضروری برای تفکر انتقادی و قیاسی است.

سطر شالوده مهارت‌های فکری باید از همان سال‌های اولیه زندگی پی‌ریزی شود، زیرا فراخواندیشی از همان سال‌هایی آغاز می‌شود که شخصیت و هویت کودک به‌عنوان یک شخص متفکر، در حال شکل‌گیری است. در طول دوره‌ای که کودکان رشد کرده و بزرگسال می‌شوند، تمایل روزافزونی به جزم‌اندیشی و داشتن ذهن بسته در آنها پدید می‌آید. وقتی که ذهن بسته باشد، اعتقادات و باورها خودمحور هستند و به‌عبارتی، آنچه را که «من» باور دارم، بسیار اساسی‌تر است از آنچه که من «باور دارم». متعصبان توانایی لازم را برای ورود به گفت‌وگوی آزاد و مستدل ندارند. نباید اجازه داد که چنین اتفاقی بیفتد.

می‌توان به کودکان آموزش داد تا ارزش و منزلت ظرفیت فکری خود را بدانند. همین‌طور اصول استدلال کردن، شیوه استفاده از دلیل به‌عنوان ابزاری برای یادگیری، راه یادگیری از دیگران و نیز چگونگی ایفای نقش در فعالیت‌های گروهی تحقیقاتی را می‌توان به کودکان آموزش داد. برای رسیدن به چنین هدف‌هایی باید به آنها فرصت داد تا خودشان افکار و اندیشه‌های خود را کشف کنند، ایده‌های خود را در قالب واژه‌ها بیان کنند، نظریات خویش را ارائه دهند و به توجیه باورهای خود بپردازند. آنان نیاز دارند که خود را به‌عنوان افرادی توانا، متفکر و باحساس کشف کنند. اگر قرار است افراد فراخواندیش و منتقد بار آیند، نباید بگذاریم که قدرت فکری ایشان به‌دست شانس سپرده شود. از نظر «لیپمن»، استدلال ماهرانه کیسه‌ای هوشمند و پر از ترفند نیست که در گذر از این مسیر تصادفی به‌دست آید؛ بلکه آموزه‌ای است که بیش از همه با تمرین و بحث منظم آموخته می‌شود.

تفکر سطوح مختلفی دارد که سطوح

به صفحه بعد بروید.



۱۰۳- منظور از اشاره به «لیپمن» در پاراگراف ۲،

کدام است؟

- ۱) تأکید بر دشواری فرایند یادگیری تفکر صحیح
- ۲) ارائه مثالی ساده برای ردّ ادعای غالب در زمینه آموزش تفکر
- ۳) بازگویی جمله ماقبلش و تأییدی بر نتیجه‌گیری پاراگراف
- ۴) تمایز میان تفکر انتقادی و تفکر زیرکانه که برای قبولاندن نظری، حتی غلط به دیگران، ممکن است به کار رود

۱۰۱- هدف اصلی متن، کدام است؟

- ۱) تبیین رابطه میان فراخاندیشی و تفکر انتقادی
- ۲) توضیح زمینه لازم برای رشد تفکر انتقادی
- ۳) تمایز میان تفکر محض و تفکر انتقادی
- ۴) تأکید بر لزوم آموزش تفکر انتقادی

۱۰۴- طبق متن، وجود کدام مورد، برای موجودیت

تفکر خلاق ضروری است؟

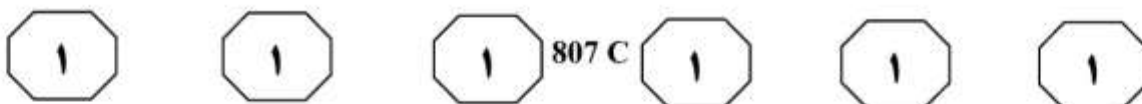
- ۱) توان تحمل «قضاوت معلق» یا «تردید سالم» و داشتن ملاک لازم برای خروج از این مرحله
- ۲) توان ساختاربندی دوباره مطالبی که می‌دانیم، برای رسیدن به نادانسته‌ها
- ۳) خواست و میل خروج از مرحله «من» باور دارم و ورود به حیطه من «باور دارم»
- ۴) داشتن ملاک برای تسهیل قضاوت‌های روزانه

۱۰۲- اطلاعات لازم برای پاسخ به کدام سؤال زیر،

در متن موجود است؟

- ۱) چرا وقتی ذهن بسته باشد، باورها خودمحور هستند؟
- ۲) «کنترل فراشناختی پیشین» در کدام بخش از سطوح تفکر قرار می‌گیرد؟
- ۳) چگونه یاد دادن تفکر انتقادی به کودک، باعث رشد خلاقیت در او می‌شود؟
- ۴) چرا به کودک، اغلب اجازه داده نمی‌شود تا نظراتش را بیان و باورهایش را توجیه کند؟

به صفحه بعد بروید.



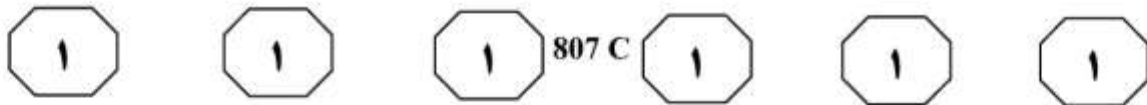
مداوم تعداد باسوادان مربوط بود، چون ترجمه،
 (۳۵) ابزاری برای آموزش زبان به کودکان بود. این
 استفاده از ترجمه به‌عنوان ابزاری برای
 آموزش، در تلقی عام نسبت به ترجمه اثر
 گذاشت و آن را در حدّ فعالیتی فاقد اصالت و
 خلاقیت پایین آورد. در نتیجه، در این دوره که
 (۴۰) برای اصالت ارزش زیادی قائل بودند، ترجمه
 اهمیت خود را از دست داد. خود مترجمان نیز
 در این امر بی‌تقصیر نیستند. غالب مترجمان
 در مقایسه با نویسندگان محبوب‌تر و
 متواضع‌ترند و بیشتر نقشی کارکردی برای
 (۴۵) خود متصورند تا خلاقانه. [۲] اما مضحک است
 که ترجمه را فعالیتی غیرادبی بدانیم. مترجم
 در آغاز رویارویی با متن، نخست خواننده
 است و سپس، بازنویس و بازآفریننده متن در
 زبان دیگر می‌شود. با توجه به محدودیت‌هایی
 (۵۰) که متن اصلی برای مترجم پیش می‌آورد،
 ترجمه مستلزم یک سلسله مهارت‌های زبانی
 است که به‌هیچ‌عنوان کم‌ارزش‌تر از مهارت‌های
 لازم برای تألیف نیست.

بسیاری از نویسندگان، ترجمه هم
 (۵۵) می‌کنند و از نظر کسانی که هم ترجمه
 می‌کنند و هم می‌نویسند، نه تمایزی میان
 تألیف و ترجمه وجود دارد و نه تألیف برتر
 است. ترجمه مانند تقلید می‌تواند ابزار
 یادگیری هنر نویسندگی باشد، چون وقتی
 (۶۰) نویسنده می‌تواند صداهای مختلف را تشخیص
 دهد و صحبت کند، احتمال اینکه بتواند
 صدای منحصربه‌فرد خود را بیابد، بیشتر
 می‌شود. از ترجمه می‌توان برای دستیابی به
 هدفی بالاتر از یادگیری اصول پایه‌ای نوشتن
 (۶۵) هم استفاده کرد. ممکن است ترجمه در طول

سلر نمی‌دانم از کی بین تألیف و ترجمه تفاوت
 قائل شدند و تألیف را برتر دانستند. آنچه
 می‌دانم این است که چنین تمایزی وجود دارد
 و مدت‌هاست بین این دو تبعیض قائل
 (۵) می‌شوند. ترجمه را شکل نازلی از نوشتن
 به‌شمار می‌آورند و تألیف را فعالیتی اصیل،
 خلاق و برتر می‌شمارند. برخی نویسندگان را
 به اعلا علیین می‌رسانند و در باب دستاوردهای
 آنها سخن به‌گزار می‌گویند، اما مترجمان هر
 (۱۰) چقدر هم پربرابر باشند، به چشم نمی‌آیند. [۱]
 مترجمان موجوداتی نامرئی‌اند که هنر
 نویسندگی آنان در سایه شهرت نویسنده
 محو می‌شود. این تمایز ناروا میان تألیف و
 ترجمه، چنان همه‌گیر شده که استادان
 (۱۵) دانشگاه تمایل به ذکر ترجمه‌هایشان در
 فهرست آثارشان ندارند و یک مقاله تألیفی
 در یک مجله گمنام، بارزش‌تر از ترجمه اثری
 از پوشکین یا دانتّه به‌شمار می‌آید. در قرون
 وسطی، چنین تمایزی وجود نداشت. کم
 (۲۰) نبودند نویسندگانی چون چاسر که به چند
 فعالیت ادبی مشغول بودند، از تألیف و ترجمه
 گرفته تا بازنویسی و شبه‌ترجمه و تقلید. در
 قرن شانزدهم نیز ترجمه به منزلت بالایی
 دست یافته بود. در اواخر قرن شانزدهم،
 (۲۵) زمانی که جان درایدن به ترجمه و تألیف
 مشغول بود، کم‌کم زمزمه این تمایز آغاز شد
 و این به‌نفع ترجمه نبود.

دلیل این تمایز، تا حدّی به اختراع صنعت
 چاپ مربوط است و تا حدّی به پیچیدگی‌های
 (۳۰) قوانین حق تألیف که همگام با صنعت چاپ
 به‌وجود آمد و تا حدّی به شیفتگی جهان
 پسارنسانس به متن اصلی که متنی صاحب اقتدار
 به‌حساب می‌آمد. شاید هم تا حدّی به افزایش

به صفحه بعد بروید.



حیات یک نویسنده، یکی از فعالیت‌های ادبی وی نیز باشد. [۳] بیشتر شعرای قرن هجدهم، رمانتیک‌های اروپا، نویسندگان مطرح قرن نوزدهم، نویسندگان آخر سده نوزده، مدرنیست‌ها و شعرای دهه ۱۹۳۰، همگی ترجمه می‌کردند و ترجمه‌های دیگران را می‌خواندند. جنبش‌های ادبی در سراسر اروپا در قرن نوزدهم، ریشه در ترجمه داشت. بعدها با گسترش تجارت، راحت شدن سفر و بسط ارتباطات، جهان کوچک‌تر شد و به‌این ترتیب، ترجمه در ایجاد آگاهی از فرهنگ‌های مختلف، نقش عمده‌ای بازی کرد. (۷۰) ترجمه ابزاری بود برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد دیگر نویسندگان و آثارشان و نیز کشف راه‌های جدید تألیف. [۴]

- ۱۰۵- در پاراگراف اول، کدام مورد زیر را می‌توان به‌درستی، از دیدگاه نویسنده استنباط کرد؟
 (۱) کار ترجمانی از اصالت و خلاقیت بالاتر از فعالیت‌های تألیفی برخوردار است، چون هم نویسندگی و هم مهارت زبان دوم، در آن نهفته است.
 (۲) انتخاب اثری از نویسنده‌ای بزرگ، نام مترجم را بسیار کم‌رنگ می‌کند.
 (۳) تمایز میان تألیف و ترجمه، به زمان اندکی پس از قرون وسطی برمی‌گردد.
 (۴) مترجم به معنی درست آن، فردی صاحب هنر و مهارت نویسندگی است.
- ۱۰۶- کدام مورد، به بهترین وجه، ساختار پاراگراف ۲ را توصیف می‌کند؟
 (۱) دو نظر مختلف راجع به یک موضوع مقایسه، و دلایل برتری یک نظر نسبت به دیگری، نشان داده می‌شود.
 (۲) یک الگوی سنتی و متعارف، رد و الگویی جایگزین، معرفی می‌شود.
 (۳) ادله جدیدی برای رد یک نظریه غالب مطرح و سپس خود آن نظریه، بحث می‌شود.
 (۴) دلایل پدیده‌ای واکاوی و سپس ادعایی خلاف آن پدیده، مطرح می‌شود.
- ۱۰۷- کدام روش استدلالی زیر، در متن مورد استفاده قرار نگرفته است؟
 (۱) توصیف فرایند
 (۲) توصیف عملکرد
 (۳) استفاده از مثال
 (۴) توصیف تحولات برحسب توالی زمانی رویدادشان
- ۱۰۸- کدام قسمت در متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، بهترین قسمت برای قرار گرفتن جمله زیر است؟
 «برای مثال، الکساندر پوپ شهرتش را همان اندازه مدیون «دانسیاد» است که مدیون ترجمه‌اش از شعر هومر.»
 (۱) [۱]
 (۲) [۲]
 (۳) [۳]
 (۴) [۴]

پایان بخش اول



بخش دوم

راهنمایی:

برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.



807 C



۱۱۰- از زمان آغاز آموزش زبان تخصصی در ایران در دهه ۱۳۵۰، هدف این آموزش، بیشتر متون تخصصی بوده است و به واقع، همه دانشجویان در ایران، باید یک تا سه درس زبان تخصصی را بگذرانند. این دروس را استادان زبان یا استادان دروس تخصصی، بدون هیچ همکاری با یکدیگر، تدریس می‌کنند. تاکنون تحقیقی جدی به منظور بررسی اثربخشی این دروس صورت نگرفته است، ولی جالب است که در این زمینه، بیش از ۲۰۰ جلد کتاب درسی چاپ و در بازار موجودند. سؤال من این است، وقت آن نیست کمی دست‌نگه‌داریم و منطقی‌تر پیش برویم. کدام‌یک از موارد زیر را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

(۱) موضوع مفید بودن دروس زبان تخصصی، می‌تواند موضوعی مهم برای یک تحقیق جدی باشد.

(۲) همکاری استادان دروس تخصصی در آموزش زبان تخصصی، همواره به کارایی آموزش در این حوزه، لطمه زده است.

(۳) دلیل ناکارآمدی کتاب‌های موجود در زمینه آموزش زبان تخصصی، تحقیق‌محور نبودن آنهاست.

(۴) اقدام به آموزش زبان تخصصی، از بنیان، کاری اشتباه بوده است.

۱۰۹- بحث درباره رابطه زبان و تفکر و تأثیر این دو بر یکدیگر، بحثی قدیمی است که پاسخ مشخصی نیز به آن داده نشده است. امروزه نیز، پژوهشگران به این مسئله پرداخته‌اند اما هنوز نتوانسته‌اند جواب قانع‌کننده‌ای که مقبولیت عام داشته باشد، برای این سؤال ارائه کنند. گره کار عمدتاً در اینجاست که بر سر تعریف تفکر، اتفاق نظر وجود ندارد. به راستی تفکر چیست؟ به چه فرایند یا فرایندهای ذهنی، تفکر گفته می‌شود؟ ماروین مینسکی، که از طرفداران دوآتشه هوش مصنوعی و سیستم‌های هوشمند است و معتقد است هر کاری که مغز انسان بتواند انجام دهد، کامپیوتر نیز روزی از عهده آن بخواهد آمد، در پاسخ این سؤال که آیا کامپیوتر می‌تواند فکر کند، جواب می‌دهد: «بله، به شرط اینکه شما برای من تعریف کنید تفکر چیست». مینسکی خوب می‌داند که با این جواب،

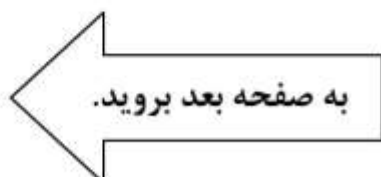
.....
کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

(۱) چه سنگ بزرگی، پیش پای مخالفان خود می‌اندازد

(۲) راهی مطمئن برای رفع تناقض ذاتی ادعایش فراهم می‌آورد

(۳) همان کاری را می‌کند که به واقع، فیلسوفان مدعی در طی قرن‌ها کرده‌اند

(۴) بالاخره آتشی را که به خرمن یک جدل تاریخی افتاده است، خاموش می‌کند





۱۱۲- اتکینسون معتقد بود انگیزش برای دستیابی به موفقیت، تحت تأثیر احتمال موفقیت و جذابیت آن قرار دارد. میزان انگیزش فرد برای انجام تکلیفی (تلاشی)، به این موضوع بستگی دارد که در باور او، احتمال موفقیت انجام آن تکلیف تا چه اندازه است و اگر به هدف نایل شود، آیا پاداش آن مناسب و جذاب است یا خیر. بنابراین می‌توان با در نظر گرفتن اهداف تکلیف براساس توانایی‌های فردی دانش‌آموزان، احساس موفقیت و تلاش را در آنها ایجاد نمود. همچنین وقتی دانش‌آموزان، کلاس خود را جذاب و تسهیل‌کننده رشد خویش ببینند، تکلیفی را ترجیح می‌دهند که آنها را به چالش فراخواند و کلاس خود را بیشتر دوست خواهند داشت. البته باید دانش‌آموزان تشویق شوند که برای رشد خویش تلاش کنند و به یک انگیزش درونی برای کسب موفقیت دست یابند، در این صورت برای کسب موفقیت، دست به تلاش جدی می‌زنند.

کدام مورد، ارتباط دو بخشی از متن را که زیر آنها خط کشیده شده است، به بهترین وجه، توصیف می‌کند؟

(۱) اولی، ادعای اصلی متن و راهکار نیل به آن را توصیف و دومی، چالشی خارج از کنترل را که در مسیر نیل به هدف متن و کارایی راهبرد پیشنهادی وجود دارد، ترسیم می‌کند.

(۲) اولی، راهبرد رسیدن به هدفی است که متن به دنبال آن است و دومی، به معرفی عاملی جدید می‌پردازد که امکان کارایی راهبرد پیشنهادی را تقویت می‌کند.

(۳) اولی، یافته‌ای است که با موضع اصلی نویسنده همخوان نیست و دومی، موردی است که نویسنده برای رفع این ناهمخوانی آورده است.

(۴) اولی، نتیجه‌گیری متن است و دومی، آن نتیجه‌گیری را هم مشروط و هم تعدیل می‌کند.

۱۱۱- برخی استدلال می‌کنند که ترجمه، موجبات رکود علمی را فراهم می‌آورد، زیرا به جای تولید علم، واردات علم را استمرار می‌بخشد. به بیان ساده‌تر، اگر ترجمه کنیم، حتی در حوزه‌های کاملاً علمی، فقط مصرف‌کننده دانش دیگران باقی خواهیم ماند؛ حال آنکه اگر تألیف کنیم، موفق به تولید دانش خواهیم شد. به اعتقاد من، این دیدگاه، به‌غایت فروکاهنده و ساده‌اندیشانه است. کسانی که چنین برداشت ابتری از ترجمه دارند، متوجه نیستند که ترجمه، راه ما برای رسیدن به مرزهای نو در دانش را بسیار کوتاه‌تر می‌کند. انتقال تجربه‌ها و دستاوردهای علمی از راه ترجمه، این امکان را فراهم می‌سازد که از پیمودن مسیرهای قبلاً پیموده‌شده و آزمودن تجربه‌های قبلاً آزموده‌شده خودداری کنیم و در عوض، نیرو و توانمان را صرف پیشبرد دانش از مرزهای فعلی کنیم.

کدام مورد، از جمله ایرادات وارد به استدلال نویسنده متن فوق است؟

(۱) در بسیاری از کشورهای جهان که در مرتبه بالایی علمی قرار دارند هم، ترجمه بازار خوبی دارد که این موضوع، نباید از نظر دور بماند.

(۲) اینکه آیا ارتقای فرهنگی به همان اندازه به تألیف وابسته است که ارتقای علمی و تکنیکی، موضوعی مهم و در عین حال مناقشه‌برانگیز است که به آن نیز باید پرداخته شود.

(۳) نقش مهارت مترجم در برگردان کتابی که برای ترجمه انتخاب می‌کند، بی‌شک متغیری مهم در اقبال عمومی از آثار ترجمه‌شده است که باید در هر بحثی از ترجمه، مورد توجه خاص قرار گیرد.

(۴) ترجمه در حوزه‌های مختلفی، غیر از حوزه علمی، همچون حوزه‌های ادبی و هنری نیز صورت می‌گیرد که نقش آن در ارتقای این حوزه‌ها هم، جای بحث دارد.

به صفحه بعد بروید.



۱۱۴- در یک رابطه بین فرهنگی، فردی می‌تواند ابتکار عمل را به دست گیرد و موفقیت رابطه را ممکن کند که از توانش بین فرهنگی برخوردار است. چنین فردی، مشکلات و سوء تفاهات را عنصری طبیعی از رابطه می‌داند، چرا که از تفاوت میان خود و دیگری آگاه است و علاقه مندی او به ادامه ارتباط، وی را به سمت رمزگشایی پیچیدگی‌های رابطه سوق می‌دهد. با این نگرش، می‌توان ادعا داشت که در دنیای امروز که در آن، تماس با بیگانگان از یک سو و مقابله با نژادپرستی و ترس از بیگانه از سوی دیگر، بیش از هر زمان دیگر نمود دارد، آموزش توانش بین فرهنگی به افراد، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و می‌تواند کمک شایانی به پیشبرد اهداف این چنینی کند، چرا که به اعتقاد کارشناسان، بسیاری از اعمال نژادپرستانه، ریشه در همین بیگانگی‌ها و تفاوت‌ها و عدم اطلاع از چگونگی رویارویی با آنها دارند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، استدلال نویسنده را به بهترین وجه، تقویت می‌کند؟

(۱) دست‌اندرکاران فرهنگی برخی جوامع، با بالا بردن ضریب توانش فرهنگی، میزان تمایلات نژادپرستانه در جامعه را به طور معنی داری کاهش داده‌اند.

(۲) در جوامعی که در آنها گرایش‌های نژادپرستانه کم است یا وجود ندارد، مردم بر این باورند که دوری از تحمیل فرهنگ غالب به اقلیت‌ها، عامل اصلی این وضعیت مطلوب است.

(۳) در جوامعی که سطح بالایی از تبعیض نژادی وجود دارد، افراد بسیاری از اقلیت‌های نژادی، جزو گروه‌هایی می‌شوند که مروج برابری نژادی و ایجاد فضای تساهل فرهنگی هستند.

(۴) برخی محققان دریافته‌اند که بین توانش فرهنگی در جوامع مختلف و احساس بیگانگی با افراد فرهنگ‌های دیگر، فارغ از میزان اختلافات فرهنگی موجود، نوعی همبستگی مثبت وجود دارد.

۱۱۳- تفکیک زبان انسانی از زبان جانوری، بر سه محور اساسی استوار است. نخست، اصل قراردادی بودن زبان، یعنی تنها با نوعی «قرارداد» در معانی واژگان می‌توان به گستره بی‌پایان مفاهیم فرهنگی مورد استفاده انسان‌ها دست یافت. این قابلیت، گواه دومین اصل زبان انسانی است: خلاقیت و آفرینندگی آن. ترکیب اصوات و معانی در قالب ساخت‌های زبان، امکان بی‌پایانی برای ایجاد معانی به وجود می‌آورد، امکانی که به روشنی در آفرینش‌های ادبی بروز می‌کند. سومین اصل مهم در زبان انسانی، قابلیت جابه‌جایی آن در زمان و مکان و بین واقعیت و خیال است. ساخت‌های زبانی به انسان امکان می‌دهند، گذشته، حال و آینده را تصور کند، شرایط واقعی یا خیالی را در ذهن خلق کند و هرکدام از زمینه‌ها و عناصری را که مایل باشد، در هر زمان و مکانی با یکدیگر ترکیب کند. خاصیت حرکت اندیشه از خلال مفاهیم (یا همان واژگان) به انتزاع، امکان مهم و ارزشمندی است که ذهن انسان را آماده پذیرش مفاهیم کاملاً پیچیده‌ای چون اخلاق و دین می‌کند.

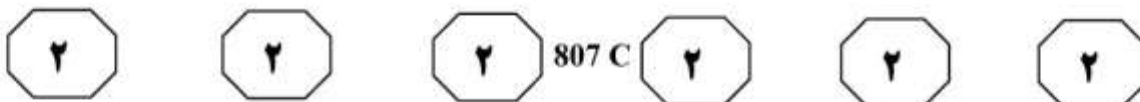
کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، استدلال فوق را تضعیف می‌کند؟

(۱) برخی زبان‌شناسان بر این باورند که اصول پایه‌ای زبان‌های بشری، در عین شباهت، دارای تفاوت‌های خاص خود نیز هستند که برخاسته از رابطه میان انسان با محیط طبیعی اطرافش است.

(۲) آفرینش ادبی، مختص به نژاد و یا زبانی خاص نیست و به‌واقع، از بدو تاریخ مکتوب، ادبیات انتزاعی و خیال‌پردازانه همه موجودات بوده است.

(۳) اقوام اولیه انسان با اینکه دارای زبان نبودند، دارای باورهای دینی بسیار نزدیک به آنچه امروز دین می‌نامیم، بودند.

(۴) برخی زیست‌شناسان بر این باورند که زبانی که حیوانات برای ایجاد ارتباط با هم به کار می‌برند، قرابت‌هایی با زبان انسانی دارد.



۱۱۵- ریخت‌شناسی (Morphology) از سوی ولادیمیر پراپ، پژوهشگر فرمالیست معاصر، به‌عنوان الگوی مطالعاتی داستان‌های عامیانه انتخاب شد. اگرچه الگوی مذکور براساس قصه پریان روسی شکل گرفت، اما قابل‌تعمیم به سایر ژانرهای داستانی ملل دیگر، از جمله ادبیات فارسی ایران است. پراپ که در پی کشف ساختار واحد روایی در قصه‌های پریان بود، به ارائه الگویی نایل می‌شود که مراحل حضور قهرمان را در طول روایت‌های داستانی، طبقه‌بندی و تحلیل می‌کند. این الگو که بعدها از سوی دیگر صاحب‌نظران، مورد نقد و تعدیل‌هایی قرار گرفت، در ادبیات داستانی و شبه‌داستانی ایران (حکایت، تمثیل و ...) نیز تعمیم‌دانی است که از آن جمله است تقلیل مراحل این الگو به پنج مرحله کلی از سوی پاول وهولین، پژوهشگر ساختارگرای روسی، که توان انطباق با آثار داستانی گسترده‌ای را در نظریه پیشین ایجاد می‌کند. از این‌رو، این پژوهش براساس نظریه پراپ و مدل وهولین، در پی آن است که بخشی از ادبیات تعلیمی فارسی را بررسی کند و سهم قهرمان‌محوری را در این ژانر بسنجد. لذا، گلستان سعدی به‌عنوان یک اثر تعلیمی، انتخاب، بررسی و تحلیل شد.

کدام‌یک از موارد زیر، یکی از فرضیات لازم در استدلال فوق است که لازمه درستی نتایج تحقیقی است که نویسنده انجام داده است؟

- ۱) استفاده از مدل ولادیمیر پراپ برای تحلیل داستان‌های ملل دیگر، نتایج قابل‌قبولی به‌دنبال داشته است.
- ۲) تغییراتی که پاول وهولین در ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ اعمال کرد، همگی درست و به‌جا بودند.
- ۳) انتقال مدل‌های تحقیق و بررسی، از علمی به علم دیگر، شایع و گریزناپذیر است.
- ۴) گلستان سعدی، بهترین اثر تعلیمی در ادب فارسی به‌شمار می‌رود.

پایان بخش دوم



بخش سوم

راهنمایی:

در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.

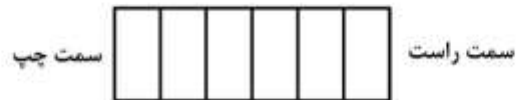


807 C



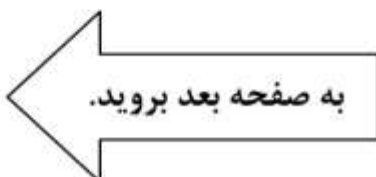
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۱۶ تا ۱۱۹ پاسخ دهید.

- ۱۱۷- اگر حرف B زودتر از حرف A نوشته شود، کدام یک از موارد زیر، به‌طور قطع، صحیح است؟
 I. حرف D زودتر از حرف A نوشته می‌شود.
 II. حرف C زودتر از حرف E نوشته می‌شود.
 III. حروف D و E، کنار هم نوشته می‌شوند.
- (۱) I, II و III
 (۲) II و III
 (۳) I و II
 (۴) I و III
- معلمی از دانش‌آموز خود می‌خواهد که حروف انگلیسی A, B, C, D, E و F را در شش خانه به‌صورت زیر، از چپ به راست، طوری بنویسد که محدودیت‌های زیر رعایت شود.
- حرف D، زودتر از حرف B نوشته نشود.
 - حرف A کنار حرف E قرار بگیرد، ولی کنار D قرار نگیرد.
 - حرف B، دقیقاً بین دو حرف A و C قرار نگیرد.
 - با جابه‌جایی حروف اول و آخر با یکدیگر در اتمام کار، هیچ کدام از محدودیت‌های قبل نقض نشود.



- ۱۱۶- اگر حروف E و F کنار هم نوشته شوند، دقیقاً بعد از A، کدام حرف نوشته می‌شود؟
- (۱) B
 (۲) C
 (۳) E
 (۴) F
- ۱۱۸- اگر سومین حرفی که نوشته می‌شود E باشد، D چندمین حرفی است که نوشته می‌شود؟
- (۱) ششمین
 (۲) پنجمین
 (۳) چهارمین
 (۴) دومین

- ۱۱۹- اگر حروف D و F دقیقاً کنار هم نوشته شوند، جای نوشتن چند حرف از شش حرف، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟
- (۱) ۲
 (۲) ۳
 (۳) ۴
 (۴) ۶





807 C



راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۲۰ تا ۱۲۳ پاسخ دهید.

۱۲۱- در چند حالت مختلف، الگو می‌تواند به یک عدد فرد ختم شود؟

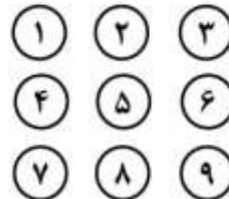
- (۱) ۱
(۲) ۲
(۳) ۳
(۴) ۴

۱۲۲- اگر الگوی ساخته‌شده با یک عدد زوج شروع شود، کدام رقم (ارقام) به‌طور قطع در الگو وجود دارد؟

- (۱) فقط ۱
(۲) ۴ و ۷
(۳) ۱، ۲ و ۳
(۴) فقط ۱ و ۳

فردی برای ساختن یک رمز به‌صورت الگو برای گوشی خود، چهار عدد از شکل زیر را باید طوری به همدیگر وصل کند که شکل حاصل به‌صورت حرف لاتین L (یا هر حالت حاصل از چرخش، قرینگی یا هردو) درآید. در مسیر ساختن الگو، هر عدد باید فقط به یکی از اعداد بالا، پایین، چپ و راست خود، وصل شود. اطلاعات زیر، موجود است:

- در الگوی ساخته‌شده، عدد ۴ به ۵ و عدد ۳ به ۶ وصل نمی‌شوند، اما نه بالعکس.
- الگوی ساخته‌شده، نه با ۲ شروع می‌شود و نه به ۷ ختم می‌شود.
- عدد ۸، جزو چهار رقم تشکیل‌دهنده الگو نیست.



۱۲۰- اگر عدد ۳ جزو ارقام سازنده الگو نباشد، کدام رقم زیر، به‌طور قطع، جزو ارقام سازنده الگو است؟

- (۱) ۲
(۲) ۴
(۳) ۶
(۴) ۷

۱۲۳- اگر الگوی ساخته‌شده به‌گونه‌ای باشد که با وصل کردن ارقام الگو به‌هم از آخر به اول، باز الگوی درستی حاصل شود، کدام رقم زیر، جزو ارقام الگو نیست؟

- (۱) ۲
(۲) ۳
(۳) ۴
(۴) ۵

پایان بخش سوم



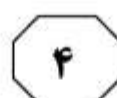
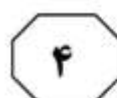
بخش چهارم

راهنمایی:

- این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و ... تشکیل شده است.
- توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.



807 C

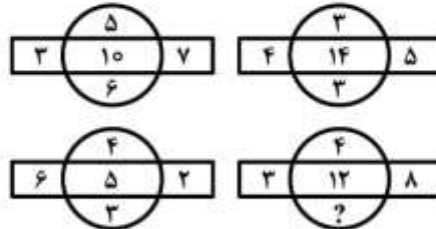


راهنمایی: هر کدام از سؤال‌های ۱۲۴ تا ۱۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۱۲۶- زوجی، هردو در سن ۲۶ سالگی، با یکدیگر ازدواج می‌کنند و زمانی که ۱۶ امین سالگرد تولد فرزندشان را جشن می‌گیرند، هر کدام دقیقاً سه برابر او سن دارند. این فرزند، چند سال پس از ازدواج آن زوج، به دنیا آمده است؟

- (۱) ۶
(۲) ۷
(۳) ۸
(۴) ۱۰

۱۲۴- در هر کدام از اشکال زیر، بین اعداد ارتباط خاص و یکسانی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟



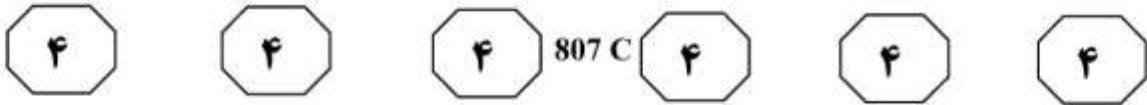
- (۱) ۱۰
(۲) ۸
(۳) ۶
(۴) ۴

۱۲۵- از یک مقوای مربع شکل، مستطیلی با اضلاعی به نسبت ۱ به ۲ جدا می‌کنیم. با این عمل، ۳۲ درصد از مساحت مربع کم می‌شود. مساحت بزرگ‌ترین مربع ممکن که می‌توان از تکه باقی‌مانده جدا کرد، چند درصد از مساحت مربع اولیه است؟



- (۱) ۴۸
(۲) ۴۲
(۳) ۴۰
(۴) ۳۶

به صفحه بعد بروید.



۱۲۷- چوب کبریتی را به نسبت ۴ به ۷ به دو قسمت تقسیم می‌کنیم. اگر تکه بزرگ‌تر را نصف کنیم، چند درصد از تکه کوچک‌تر را باید از آن جدا کرده و دور بیندازیم تا درنهایت، سه تکه با اندازه‌های برابر داشته باشیم؟

- (۱) ۱۷٫۵
(۲) ۱۵
(۳) ۱۲٫۵
(۴) ۱۰

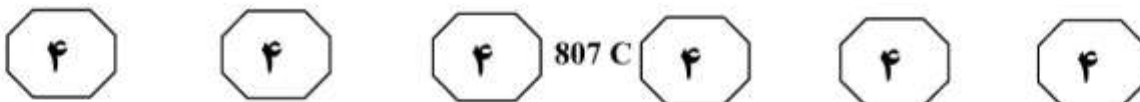
راهنمایی: سؤال ۱۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده‌شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

۱۲۸- فردی یک گوشی تلفن همراه که قیمت آن، زیر ۳ میلیون تومان است را ۲۰ درصد ارزان‌تر از قیمت بازار از دوستش می‌خرد و آن را با ۴۰ درصد سود به فرد دیگری می‌فروشد.

<u>الف</u>	<u>ب</u>
قیمت فروخته‌شده	قیمت بازار آن
گوشی تلفن همراه	گوشی تلفن همراه
توسط آن فرد	با سود ۱۲ درصدی

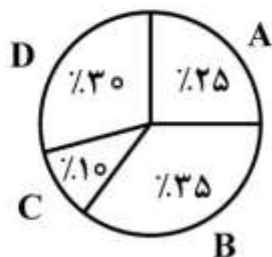
به صفحه بعد بروید.



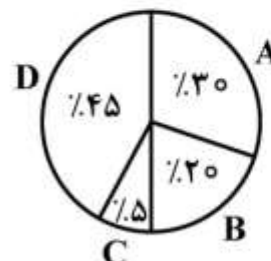
راهنمایی: با توجه به اطلاعات و نمودارهای زیر، به سؤال‌های ۱۲۹ و ۱۳۰ پاسخ دهید.

یک استان، دارای ۴ دارالترجمه رسمی با اسامی «A»، «B»، «C» و «D» است. ۴۰ درصد از مجموع مراجعین به این دارالترجمه‌ها زن هستند. نمودار شماره ۱، سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین به این چهار دارالترجمه و نمودار شماره ۲، سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین زن به دارالترجمه‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۲. «سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین زن»



نمودار شماره ۱. «سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین به این چهار دارالترجمه»



۱۳۰- اگر ۷۵ مرد به دارالترجمه «C» مراجعه کنند،

چند مرد به دارالترجمه «D» مراجعه می‌کنند؟

- (۱) ۲۴۷۵
- (۲) ۱۵۰۰
- (۳) ۶۱۹
- (۴) ۴۵۰

۱۲۹- چند درصد از مراجعین به دارالترجمه «B»،

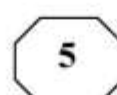
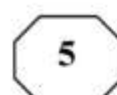
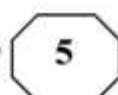
مرد هستند؟

- (۱) ۷۰
- (۲) ۶۵
- (۳) ۳۵
- (۴) ۳۰

پایان بخش چهارم



807 C

**بخش پنجم****راهنمایی:**

این بخش، مربوط به سؤال‌های آزمون زبان روسی – عمومی است.

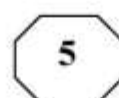
A. Лексика:**Инструкция: В каждом вопросе выберите правильный вариант.**

- 131- В каком варианте выделенное слово употреблено НЕверно?
 1) Снег ЧЕРНИТ от грязи и копоти.
 2) Серебро через некоторое время ЧЕРНЕЕТ.
 3) Забыла волосы ЧЕРНИТЬ и через три дня поседела.
 4) А вечером, ночью пусто, небо от редких фонарей ЧЕРНЕЕТ тускло, угрюмо.
- 132- Фразеологизм «ахиллесова пята» обозначает
 1) сдерживающую силу
 2) двигательную силу
 3) уязвимое место
 4) любимое дело
- 133- Там сказано, что гоголевская Россия есть страна, где нет никаких гарантий для личности.
 1) чего доброго
 2) черным по белому
 3) со дня на день
 4) с первого взгляда
- 134- Природа и сегодня загадывает ученым много
 1) задач
 2) задумок
 3) заданий
 4) загадок
- 135- Какой вариант НЕ подходит для следующего предложения?
 «В посольстве по случаю национального праздника.»
 1) был устроен приём
 2) произвели приём
 3) прошёл приём
 4) состоялся приём
- 136- Слова «везти» и «вести» являются
 1) омографами
 2) омоформами
 3) омофонами
 4) лексическими омонимами
- 137- Укажите, в каком значении употребляется в тексте слово «сухим»?
 «И сказала каким-то поразительно СУХИМ, я бы даже сказал, официальным голосом – и спрашивая и утверждая сразу.»
 1) безучастным, неласковым
 2) лишённым воды
 3) худощавым
 4) безжизненным
- 138- В каком варианте правильно указано значение фразеологизма «Борис плавал на экзамене»?
 1) отвечал на экзамене хорошо
 2) отвечал на экзамене плохо
 3) списывал на экзамене
 4) на отлично сдал экзамен

Продолжение на следующей странице



807 C



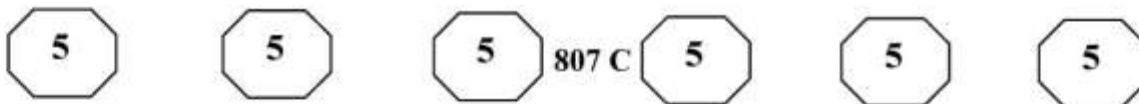
- 139- Фразеологизм “вот где собака зарыта” используется в современной речи для указания на
- 1) результат действия
 - 2) характер поиска
 - 3) истину
 - 4) суть вопроса
- 140- Определите в каком предложении выделенные слова относятся к разговорной речи?
- 1) И, как бы высоко ни оценивали вас, всегда имейте мужество СКАЗАТЬ себе: «я – невежда».
 - 2) Он хотел успокоить ее и ВРАЛ, что рука болит меньше.
 - 3) Не унижайте себя: НЕ ГОВОРИТЕ НЕПРАВДЫ.
 - 4) Не давайте ГОРДЫНЕ овладеть вами.

Б. Грамматика русского языка:

Инструкция: В каждом вопросе выберите правильный вариант.

- 141- В каком предложении сказуемое является простым глагольным?
- 1) Я собрался было в кино.
 - 2) Морозы становились всё крепче.
 - 3) Дела мои совершенно расстроены.
 - 4) Солдаты идут измученные, запыхлённые.
- 142- Студенты вежливо о начале перерыва.
- 1) вспомнили преподавателя
 - 2) запомнили преподавателя
 - 3) напомнили преподавателю
 - 4) припомнились преподавателю
- 143- В каком варианте приложение пишется без дефиса? (знаки препинания не расставлены).
- 1) В окна беззаботно входил черноморский бродяга ветер.
 - 2) Мы читаем рассказы о героях лётчиках.
 - 3) На нашем пути была река Москва.
 - 4) Слуга киргиз ввёл его в кабинет.
- 144- Укажите пример без ошибки в образовании формы слова.
- 1) без туфлей, длиньше метра
 - 2) несколько помидор, опытные профессора
 - 3) новые компьютера, в полтора километрах от леса
 - 4) к двухсотлетию со дня рождения, назначенные директора
- 145- Укажите вариант, в котором НЕ верно выделен ударный слог.
- 1) Выберите тетрадь в два раза большУю по размеру.
 - 2) Человек сегодня получает бОльшую информацию, чем раньше.
 - 3) Здесь озёр более двухсот двадцати — большИх поменьше и совсем крохотных.
 - 4) На человека университет возлагает бОльшую, по сравнению со школой, ответственность.

Продолжение на следующей странице



- 146- В каком предложении придаточную часть сложноподчинённого предложения можно заменить причастным оборотом?
- 1) Успех, которого вы достигнете сегодня, является результатом ваших вчерашних усилий.
 - 2) Преподаватель, которого все боятся в этой школе, преподаёт математику.
 - 3) Студент, которого сейчас нет на занятии, час назад бегал во дворе.
 - 4) Молодой человек, которого все уважают, приехал из Англии.
- 147- Укажите вариант с ошибкой в образовании форм родительного падежа обоих существительных.
- 1) носков, чулок
 - 2) грузинов, татаров
 - 3) баклажанов, абрикосов
 - 4) ботинок, мусульман
- 148- Укажите вариант, в котором НЕ выделяется деепричастный оборот. (знаки препинания не расставлены).
- 1) Закрыв окно она пошла к шкафу
 - 2) Катя сняв чайник с плиты поставила его на стол
 - 3) Они так испугались что бежали сломя голову прочь
 - 4) Андрей ремонтировал велосипед разговаривая с другом
- 149- Укажите предложение, которое грамматически правильно составлено.
- 1) Проект должен реализоваться в трех этапах.
 - 2) Контракт подписан от второго марта двухтысячного года.
 - 3) Недельная инфляция равна одним целым и двум десятым процента.
 - 4) В результате землетрясения было эвакуировано полутора тысяч людей.
- 150- Укажите предложение с наречием в форме составной превосходной степени.
- 1) Надо стараться говорить более просто, более точно.
 - 2) Чем ярче сияет солнце в марте, тем злее ночной мороз.
 - 3) Ты пишешь очень быстро, старайся писать правильнее.
 - 4) Дольше всех в библиотеке сидел мой друг: он готовился к зачету.

В. Чтение и понимание текста:

Инструкция: Прочитайте два нижеследующих текста и выполните задания после них.

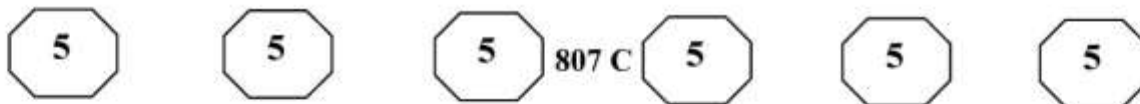
Текст 1:

Байкал - древнейшее озеро на Земле: ему 20-25 миллионов лет. Это самое глубокое озеро в мире (1620 метров). Когда Байкал спокоен, на глубине 40 метров видны разноцветные камни ... Вода в нём пресная (несолёная) и очень холодная. Только в августе её температура поднимается до 15 градусов.

В народных песнях Байкал называют «славным морем». И это не удивительно. Его длину можно сравнить с расстоянием от Москвы до Петербурга (636 километров).

336 рек несут свои воды в Байкал, и только одна Ангара берёт своё начало в озере и несёт свои воды в Енисей, крупнейшую реку Сибири. Байкал — уникальное создание природы. Известно, что в озере имеется 600 видов растений и 1200 видов животных, из них 75% встречается только здесь, в Байкале.

Продолжение на следующей странице



Байкал — озеро-загадка. До сих пор учёные не могут понять, как появилась в Байкале рыба из северных морей. Непонятно, как и почему в Байкале сохранились рыба и растения, которые исчезли в других озёрах и морях.

Но Байкал не только загадочное озеро. Это одно из самых красивых озёр нашей планеты. И неудивительно, что об этом прекрасном и загадочном озере рассказывают легенды. Вот одна из них.

Много дочерей было у старого Байкала. Но особенно он любил красавицу Ангору. И решил Байкал никому не отдавать в жены свою любимую дочь. Но услышала Ангара о прекрасном и сильном Енисее и захотела уйти к нему. Рассердился отец и поставил на её пути высокие горы. Тогда все 336 сестёр Ангара помогли ей убежать к Енисею. Увидел это Байкал и бросил громадный камень, чтобы остановить её. Но убежала Ангара и нашла с Енисеем своё счастье. С того времени несёт она свои воды в Енисей. А камень, который бросил Байкал, и сейчас стоит ...

- 151- Содержанию текста более всего соответствует название
- 1) “Байкал, Ангара и Енисей”
 - 2) “О побеге Ангара к Енисею”
 - 3) “Уникальное озеро”
 - 4) “Животный мир Байкала”
- 152- Байкал считают уникальным явлением природы, потому что
- 1) в нём богатейший животный и растительный мир
 - 2) его длина больше, чем от Москвы до Петербурга
 - 3) в нём пресная, а не солёная вода
 - 4) это древнейшее озеро на Земле
- 153- Ангара
- 1) не нашла с Енисеем своё счастье
 - 2) одна из 336 байкальских рек
 - 3) впадает в Байкал
 - 4) берёт начало в водах Байкала
- 154- В легенде рассказывается
- 1) об одиноком Байкале
 - 2) о побеге Ангара к Енисею
 - 3) о помощи сестёр Ангара Енисею
 - 4) о прекрасном и сильном Енисее
- 155- Какой вариант не соответствует содержанию текста?
- 1) Всегда можно видеть разноцветные холмы на глубине 40 метров Байкала.
 - 2) Байкалу более 23 миллионов лет.
 - 3) У старого Байкала были дочери.
 - 4) Более 320 рек впадают в Байкал.

Текст 2:

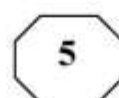
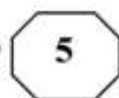
Марина и Сергей встретились и познакомились летом в Коктебеле. Это очень красивое место на берегу Чёрного моря в Крыму. Вокруг только солнце, горы и море.

Марина приехала в Крым в гости к другу- поэту и художнику Макс, который жил в доме на берегу моря. Макс был гостеприимным, жизнерадостным человеком. Весной и летом в доме Макса всегда было много народа. К Макс приходили его друзья - молодые художники, поэты, писатели, артисты, собиралась весёлая и шумная компания. Рано утром обычно все ходили в горы, совершали морские прогулки, рисовали. Природа в Коктебеле необычайно красивая. А вечером все собирались на берегу моря, сидели под луной и спорили о литературе, обсуждали картины, читали свои стихи, пели любимые песни, слушали море и просто любовались красотой крымской природы.

Продолжение на следующей странице



807 C



Здесь, в Коктебеле, в доме Макса, в этой дружной компании Марина и Сергей сразу нашли друг друга. Уже в первую встречу они много говорили о жизни, о литературе. У них были общие интересы. Они даже родились в один день - 26 сентября. Марине было только 18 лет, но она уже была известным молодым поэтом. В Петербурге вышла первая книга её стихов, которая называлась «Вечерний альбом».

Сергей был высоким красивым юношей с грустными глазами. Он очень любил искусство и литературу. Когда он прочитал стихи Марины, они сразу ему понравились, он понял, что Марина очень талантливый поэт.

Марина говорила, что встреча с Сергеем - это чудо и что они никогда не расстанутся. Всё свободное время они проводили вместе и были счастливы. Однажды утром они гуляли на берегу моря. Марина собирала разноцветные морские камни, которые дарило море. Сергей помогал ей. Иногда люди находили здесь очень красивые редкие камни. Марине очень нравился розовый камень, который называется сердолик. Марина подумала: «Если Сергей найдёт и подарит мне сердолик, то мы поженимся».

Так и случилось. В этот день Сергей нашёл на берегу моря крупный розовый сердолик и подарил его Марине. Это был очень дорогой подарок. Марина была счастлива. А через год Марина и Сергей поженились. Это был самый счастливый год в их жизни. Тогда они ещё не знали, что впереди их ждёт война и долгая разлука. Прошло много времени. Марина Цветаева стала известным русским поэтом. Она посвятила более 20 стихотворений своему мужу Сергею Эфрону. Всю свою жизнь Марина хранила розовый сердолик, который он подарил ей на берегу моря в Коктебеле.

156- В доме Макса всегда было много веселья, потому что

- 1) часто они проводили праздники
- 2) к нему приезжали артисты из разных театров
- 3) там собирались талантливые, интересные люди
- 4) Макс был известным артистом и хорошим другом

157- Марина была известным поэтом,

- 1) а Сергей не узнал об этом
- 2) и Сергей знал и любил её стихи
- 3) и поэтому Сергей полюбил Марину
- 4) но Сергей никогда не читал её стихов

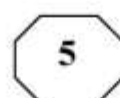
158- Марина и Сергей сразу нашли друг друга, потому что

- 1) они родились в один день
- 2) они жили в одном городе
- 3) у них было много общего
- 4) они давно хотели познакомиться

Продолжение на следующей странице



807 C



159- Марина вышла замуж за Сергея, потому что

- 1) они полюбили друг друга с первого взгляда
- 2) он подарил ей очень дорогой камень
- 3) он был очень красивым
- 4) он любил её стихи

160- Марина хранила этот камень всю жизнь, потому что

- 1) она коллекционировала камни
- 2) она очень любила драгоценные камни
- 3) розовый сердолик- очень редкий и дорогой камень
- 4) этот камень был символом любви Марины и Сергея

Конец раздела 5